

THE JOURNAL OF Linguistic and Rhetorical studies

Volume 14, Consecutive Number 31, Spring 2023

Issn:2717-090x

Journal Homepage: <https://rhetorical.semnan.ac.ir/?lang=en>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



Stylistic analysis of prose of Qajar period newspapers

Hasan Zolfaghari*¹  /Effat Hasani Kochaki²

1: Professor of Persian Language and Literature, Tarbiat Modarres University, Tehran, Iran: Corresponding Author (Zolfaghari_hasan@yahoo.com)

2: Master of Persian Language and Literature, Tarbiat Modarres University

Although the role of the press can be examined from a social, political and cultural perspective, it cannot be ignored that the emergence and expansion of the press has had a profound effect on our language; In particular, the influence of Persian prose on the press is undeniable. The press has a prominent place in the contemporary history of our country; Thus, the study of developments related to the contemporary history of our country without considering the role of the press will be incomplete. Stylistic analysis of the prose of twenty newspapers from the early years of journalism to the end of the Qajar period is the main subject of this research. In this research, an attempt has been made to examine the stylistic features of these newspapers in five related phonetic, lexical, syntactic, rhetorical and ideological layers. For this review, we selected 50% of the text of an issue from each newspaper. In this study, the citation research method was used and to answer the questions and information required, we also referred to the content of sources and references related to the research topic in the form of books, articles and dissertations. The results show that in the phonetic layer; Some historical variables are evident. Also, the music and the song resulting from the rhyme and the phonology (repetition of a phoneme) have somewhat added to the beauty of the text. In the lexical layer; Political codes, Shari'a, and Arabic and foreign interpretations have a high frequency. One of the characteristics of the syntactic layer is that it shortens most sentences as well as uses a basic style. In addition, a high percentage of the way to remove verbs is related to symmetry. In the ideological layer, the influence of layered stylistics, lexical and syntactic layer is well evident. Also, the stylistic features of the newspapers of this period were compared with the prose of the literary genre of the same period.

Keywords: Stylistics, Contemporary prose, Prose of the press, Qajar period.

- Zolfaghari, E, Hasani Kochaki. (2023). Stylistic analysis of prose of Qajar period newspapers, 14(31), 65-98.
[Doi: 10.22075/jlrs.2022.10721.1970](https://doi.org/10.22075/jlrs.2022.10721.1970)



مجله علمی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۱۴- شماره ۳۱- بهار ۱۴۰۲

صفحات ۶۵- ۹۸ (علمی - پژوهشی)

تاریخ: وصول ۱۴۰۰/۰۶/۰۱ - بازنگری ۱۴۰۱/۰۳/۱۸ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۸

تحلیل سبک‌شناسانه نثر روزنامه‌های دوره قاجار

حسن ذوالفقاری * ۱ / عفت حسنی کوچکی ۲

Zolfaghari_hasan@yahoo.com

۱: استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول)

۲: کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

چکیده: اگرچه نقش مطبوعات، بیشتر از منظر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بررسی‌پذیر است، این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که پیدایش و گسترش مطبوعات، تأثیرات فراوانی بر زبان ما داشته، به‌ویژه تأثیرپذیری نثر فارسی از مطبوعات، انکارناپذیر است. مطبوعات در تاریخ معاصر کشور ما جایگاه برجسته‌ای دارد؛ به‌طوری‌که مطالعه تحولات مربوط به تاریخ معاصر کشورمان بدون در نظر گرفتن نقش مطبوعات، ناقص خواهد بود. تحلیل سبک‌شناسانه نثر بیست روزنامه از سال‌های آغازین روزنامه‌نگاری تا پایان دوره قاجار، موضوع اصلی این پژوهش است. سعی شده است ویژگی‌های سبکی این روزنامه‌ها در پنج لایه آوایی، واژگانی، نحوی، بلاغی و ایدئولوژیک، در ارتباط باهم بررسی شود. برای این کار، از هر روزنامه، پنجاه درصد متن از یک شماره را انتخاب کردیم. در این پژوهش، از روش تحقیق استنادی استفاده شده است. برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های مدنظر و اطلاعات لازم، به محتوای منابع و مآخذ مرتبط با موضوع تحقیق، در قالب کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه مراجعه کردیم. نتایج نشان می‌دهد در لایه آوایی، برخی متغیرهای تاریخی مشهود است. همچنین موسیقی و آهنگ ناشی از سجع و جناس و واج‌آرایی (تکرار یک واج) تا حدودی بر زیبایی متن افزوده است. در لایه واژگانی، رمزگان سیاسی و شریعت و تعبیر عربی و بیگانه، از بسامد زیادی برخوردار است. از مشخصه‌های لایه نحوی می‌توان به کوتاه‌نویسی بیشتر جملات و همچنین کاربرد سبک هم‌پایه اشاره کرد. همچنین درصد زیادی از لایه نحوی، به حذف افعال بی‌قرینه مربوط است. در لایه ایدئولوژیک، تأثیرگذاری سبک‌شناسی لایه‌ای، لایه واژگانی و نحوی به‌خوبی مشهود است. ضمناً به مقایسه ویژگی‌های سبکی روزنامه‌های این دوره با نثر گونه ادبی همان دوره پرداخته شده است.

کلیدواژه: سبک‌شناسی، نثر معاصر، نثر مطبوعات، دوره قاجار.

- ذوالفقاری، حسن؛ حسنی کوچکی، عفت (۱۴۰۲) سبک‌شناسی، نثر معاصر، نثر مطبوعات، دوره قاجار.. مجله مطالعات زبانی و بلاغی دانشگاه سمنان، شماره ۳۱، صفحات ۶۵-۹۸.

Doi: 10.22075/jlrs.2022.10721.1970

۱. مقدمه

روزنامه‌نگاری به معنای رایج آن، از اوایل قرن هفدهم در اروپا آغاز و در نیمه دوم قرن سیزدهم هجری، اندک‌اندک در ایران رواج یافت. پژوهشگران معتقدند نخستین شماره نشریه ماهانه ایرانی به نام «کاغذ اخبار» پس از یک «اعلام‌نامه»، در روز دوشنبه، ۲۵ محرم الحرام ۱۲۵۳ منتشر و پس از مدت کوتاهی تعطیل شد. دومین نشریه ایرانی، «زاهریادی باهر» (اشعه نورانی) بود که در سال ۱۲۶۵ق در ارومیه به زبان آشوری انتشار یافت. در سال ۱۲۶۷ق سومین نشریه ایرانی به دستور میرزاتقی‌خان امیرکبیر به صورت هفتگی منتشر شد و به «وقایع اتفاقیه» معروف گردید. در سال ۱۲۷۷ق این نشریه با عنوان «روزنامه دولت علیه ایران» به کار خود ادامه داد. در سال ۱۲۸۳ق به دستور ناصرالدین شاه که مایل بود همانند اروپایی‌ها روزنامه‌های متعدد داشته باشد، روزنامه دولت علیه ایران به چهار روزنامه دولتی بدون تصویر، دولتی مصور، ملتی و علمی تقسیم شد و بدین ترتیب، روزنامه‌نگاری و روزنامه‌خوانی در ایران رواج یافت. به تدریج عناوین و انواع مطبوعات در کشور افزایش پیدا کرد. با آغاز حکومت محمدعلی شاه در سال ۱۳۲۵ق مطبوعات رشد چشمگیر و همه‌جانبه‌ای یافت؛ به طوری که در این سال، ۹۹ نشریه به چاپ رسید. همین روال در دوره مشروطه و بعد از آن ادامه یافت و همگام با تحولات سیاسی-اجتماعی، نشریه‌های مناسب با روش‌های مختلف پا به عرصه وجود گذاشتند و در دوره‌های کوتاه و بلند، به فعالیت‌های مطبوعاتی پرداختند.

اگرچه نقش مطبوعات، بیشتر از نظر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حائز اهمیت است، این نکته را نمی‌توان نادیده گرفت که مطبوعات در ادبیات ما نقشی مؤثر داشته‌اند، به ویژه تأثیرپذیری نثر فارسی از مطبوعات، انکارناپذیر است. عوامل فرهنگی و اجتماعی باعث شده است گروهی از مردم ایران، زبان رسانه‌هایی چون روزنامه و مجله را زبان معیار بدانند. هر جامعه‌ای باید زبان معیاری داشته باشد تا بتواند آن را به عنوان مهم‌ترین عامل ارتباطی در میان افراد جامعه به کار ببرد. هرچه الگوهای زبانی غیرمعیار رواج پیدا کنند، به مرور زمان، به جای الگوهای معیار پذیرفته می‌شوند؛ در نتیجه، زبان از لحاظ

جنبه‌های مختلف، معیوب و ناقص می‌شود. شاید در ظاهر بتواند به نقش ارتباطی خود ادامه دهد؛ اما قواعد آن فرومی‌ریزد و صرف و نحو آن دچار تغییر و اشکال می‌شود. رشد مطبوعات در کشور و تنوع و تعدد آن‌ها، مسئولان مطبوعات را بر آن داشت تا بنا به ضرورت مسائل اقتصادی و سیاسی، دامنه نشر را گسترش دهند و بر شمارگان خود بیفزایند. لازمه توفیق در این کار، مقبولیت در نزد عامه مردم بود؛ از این رو، متصدیان مطبوعات، چاره‌ای جز ساده کردن مطالب خود در سطح فهم عموم مردم و تحریک حساسیت‌های جداگانه مثبت و منفی آن‌ها نداشتند. این امر، بیشترین جنبه تأثیرگذاری مطبوعات در سبک نثر فارسی بوده است.

مطبوعات در تاریخ معاصر کشور ما جایگاه برجسته‌ای دارند؛ به طوری که مطالعه تحولات مربوط به تاریخ معاصر کشورمان بدون در نظر گرفتن نقش مطبوعات، ناقص خواهد بود. از جمله وقایعی که مطبوعات در ترویج مبانی و ویژگی‌های آن نقش فعالی داشتند، جنبش مشروطیت است. این جنبش به ظهور جنبش مطبوعاتی فرصت داد و مردم شاهد نشر مطبوعات متعدد و بی‌سابقه آن زمان بودند. از این دوره، روزنامه‌نگاری قدرت یافت و کشور وارد مرحله جدیدی شد و با توجه به شرایط سیاسی یک‌صدساله اخیر، توانست نقش بسزایی در تغییر سبک نثر فارسی ایفا کند و آن را به سوی سادگی پیش ببرد.

در دوران حکومت قاجار، حوادثی رخ داد که در پی آن، ضرورت دستیابی به علوم و فنون جدید، احساس شد. با توجه به این ضرورت، افرادی مانند عباس میرزا و امیرکبیر برای بهبود اوضاع کشور تلاش‌هایی کردند. تلاش این دو در قالب ورود صنعت چاپ و روزنامه‌نگاری نتیجه داد. با عنایت به اینکه آغاز فرهنگ هر کشوری، به رشد و شکوفایی رسانه‌ها و مطبوعات وابسته است، در کشور ما هم شروع این رشد و شکوفایی مطبوعات و رسانه‌ها از دوره قاجار بود.

در این پژوهش با برداشتن نخستین گام‌های علمی و تحلیلی، به تحلیل سبک‌شناسانه نثر بیست روزنامه انتشار یافته در محدوده زمانی عصر قاجار (از آغاز تا ۱۲۹۹) پرداخته

می‌شود. در این پژوهش کوشیده‌ایم به این پرسش پاسخ دهیم که نثر مطبوعات در عصر قاجار، از نظر سبک‌شناسی چه ویژگی‌هایی دارد؟

۲. پیشینه پژوهش

تاکنون درباره نثر مطبوعاتی و آسیب‌های آن، پژوهش‌های زیادی انجام و طرح‌های فراوانی اجرا شده است؛ اما به‌طور خاص درباره نثر مطبوعاتی دوره قاجار، پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است. خاتمی (۱۳۸۴) در مقاله‌ای با عنوان «ویژگی‌های نثر مطبوعاتی»، بر مبنای سه روزنامه و سه مجله سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ به بررسی ویژگی‌های نثر این دوره پرداخته و ویژگی‌هایی همچون استفاده از واژه‌ها و ترکیبات کهن، استفاده از اصطلاحات عامیانه، جابه‌جایی ارکان جمله، مطابقت موصوف و صفت، استفاده از مصادر جعلی و واژه‌ها و ترکیبات عربی را در مطبوعات بررسی شده مشخص کرده است. حاج‌آقابابایی (۱۳۸۷) در پژوهشی با عنوان «طبقه‌بندی و بررسی نثر متون عرفانی و فلسفی عصر قاجار»، به بررسی ویژگی‌های نثر و طبقه‌بندی موضوعی متون برجسته این حوزه پرداخته و شاخص‌ترین کتاب‌هایی را که در عصر قاجار، در این موضوعات نوشته شده، بررسی کرده است. غلامی (۱۳۸۹) در پژوهش «بررسی ویژگی‌های نثر روزنامه‌نگاری دربار قاجار»، با نشان‌دادن تصویری از فضای روزنامه‌نگاری دربار قاجار، به معرفی ویژگی‌های نثر روزنامه‌ای دربار پرداخته و دلایل افول آن را بیان کرده است. انصاری (۱۳۹۰) در مقاله «بررسی ویژگی‌های زبانی و محتوایی (فکری) روزنامه و قایع اتفاقیه»، به بررسی ویژگی‌های زبانی، محتوایی، ادبی و همچنین مقایسه اجمالی نثر روزنامه و قایع اتفاقیه با برخی متون هم‌روزگار آن پرداخته است. دارابی (۱۳۹۰) در پایان‌نامه «تجدد از دیدگاه روزنامه‌نگاران و روزنامه‌های عصر ناصری (اختر، قانون و حبل‌المتین)» این سه روزنامه مهم را تجزیه و تحلیل و نقش آن‌ها را در ورود و گسترش ابعاد نظری و عملی تجدد در جامعه ایران بررسی کرده است. شبستری و نوزاد (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «مطبوعات و روزنامه‌نگاری در دوران مشروطه و تأثیر آن بر شیوه نگارش»، به بررسی سبک نثر مطبوعات در دوره مشروطه و

پیامدهای تحولات سبکی نثر پرداخته‌اند. بازرگان و غلامی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای به بررسی ویژگی‌های نثر روزنامه‌نگاری دهخدا پرداخته و شیوه‌هایی را که وی در مبارزه زبانی خویش از آن‌ها استفاده کرده، نشان داده‌اند. احمدی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه و تحلیل ساختار روزنامه‌های ملانصرالدین و صور اسرافیل»، به بررسی ویژگی‌های ساختاری این دو روزنامه و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن‌ها پرداخته است. کاردگر و مهدی (۱۳۹۱) در مقاله «نقد و تحلیل و سبک‌شناسی اولین بحر طویل فارسی»، ابتدا به شرح مختصری از این پیچیدگی‌ها پرداخته و سپس ویژگی‌های سبک‌شناسانه آن را در سه سطح زبانی، ادبی و فکری بررسی کرده‌اند. استاجی (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان «ویژگی‌های صوری و زبانی برخی از روزنامه‌ها از دوره قاجار تا دوران معاصر»، ویژگی‌های صوری و زبانی روزنامه‌های دوره قاجار، مشروطه، پهلوی، انقلاب و دوران معاصر را بررسی کرده است. مستعلی پارسا (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «نقد و بررسی سبک‌شناسانه شعر دوره بازگشت»، با ذکر نمونه‌ها و داده‌های آماری، به میزان موفقیت یا شکست نسبی این تقلیدهای شاعرانه پرداخته است. رشیدی و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله «بررسی و نقد اصطلاحات سبک‌شناسی و نقد ادبی در شعر سنتی تا قرن یازدهم»، ضمن تبیین اهمیت مفهوم سبک، اصطلاحاتی را که ناظر بر این مفهوم است، تحلیل کرده‌اند. دهقانی اشکذری و ملّابراهیمی (۱۳۹۸) در مقاله «نقد سبک‌شناسانه اشعار اجتماعی شیخ احمد وائلی (تحلیل زبانی)» کوشیده‌اند به کشف زوایای زبانی پنهان اشعار اجتماعی شیخ احمد وائلی پردازند. آن‌ها از این منظر، اشعار وی را در سطوح آوایی، لغوی و نحوی به شیوه توصیفی-تحلیلی بررسی کرده‌اند. راسخ مهند و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «خشونت گفتاری در مطبوعات: مطالعه موردی روزنامه‌های فارسی»، سیر تغییر کاربرد خشونت در زبان فارسی را بر اساس پیکره‌ای طبیعی و واقعی از مطبوعات پرمخاطب این زبان و ارتباط آن را با تحولات اجتماعی و سیاسی مهم هر دهه نشان داده‌اند. آن‌ها از این طریق، به الگویی شناختی از زبان فارسی بر مبنای سیر تغییر خشونت در این زبان و باز نمود آن در مطبوعات فارسی دست یافته‌اند.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد عوامل سیاسی و اجتماعی بر الگوی تغییر روند خشونت زبان فارسی در مطبوعات تأثیرگذار بوده‌اند. خیرآبادی (۱۳۹۶)، در مقاله «الگوی معناشناختی ارزش‌گذاری؛ رهیافتی نو در تحلیل انتقادی گفتمان‌های مطبوعاتی» نشان می‌دهد می‌توان متون خبری را در سطوح تازه‌ای مبتنی بر ویژگی‌های معنایی تحلیل کرد.

۳. روش و دامنه پژوهش

بررسی نثر روزنامه‌ها به روش سبک‌شناسی لایه‌ای صورت گرفته و روزنامه‌ها از سال‌های مختلف آغازین روزنامه‌نگاری تا پایان دوره قاجار (۱۲۹۹)، به صورت تصادفی انتخاب شده‌اند. روزنامه‌های منتخب را در لایه‌های آوایی (متغیر آوایی، واج‌آرایی، سجع و جناس)، واژگانی (رمزگان، تعابیر عامیانه، فرنگی‌مآبی، عربی‌مآبی، کهن‌گرایی، تکرار و ترادف)، نحوی (طول جمله، ساختار بلاغی جمله، حذف افعال بی‌قرینه و ...)، بلاغی و ایدئولوژیک بررسی کردیم. برای این بررسی، از هر روزنامه ۵۰ درصد متن از یک شماره را انتخاب کردیم. در این مطالعه، از روش تحقیق استنادی استفاده شد و برای پاسخ‌گویی به سؤالات مدنظر و کسب اطلاعات لازم، به محتوای منابع و مآخذ مرتبط با موضوع تحقیق که در قالب کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه بود، مراجعه کردیم. روزنامه‌های منتخب به شرح زیر است:

نام روزنامه	شماره روزنامه	سال چاپ روزنامه	نام روزنامه	شماره روزنامه	سال چاپ روزنامه
وقایع اتفاقیه	۳۷۴-۲۶۵	۱۲۷۲ق/۱۲۳۸ش	مجلس	۷۳-۹۰	۱۳۲۴ق/۱۲۸۵ش
دولت علیّه ایران	۴۷۷-۵۶۸	۱۲۷۷ق/۱۲۳۹ش	روح‌القدس	۳-۲۷	۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش
ایران	۸۹۷-۷	۱۲۸۸ق/۱۲۵۰ش	صبح صادق	۴۲-۱۵۰	۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش
اختر	۱۰-۹	۱۲۹۲ق/۱۲۵۴ش	صور اسرافیل	۱-۲۰	۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش
شرف	۶۰-۵	۱۳۰۰ق/۱۲۶۱ش	ندای وطن	۳۰-۱۷۸	۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش
حکمت	۹۳۵-۱۸	۱۳۱۰ق/۱۲۷۱ش	مساوات	۲۱-۲۹	۱۳۲۶ق/۱۲۸۷ش
ناصری	۱۲-۸	۱۳۱۱ق/۱۲۷۲ش	ایران نو	۲۱-۲۲۲	۱۳۲۷ق/۱۲۸۸ش

تربیت	۳۵۰-۴۰	۱۳۱۵ق/۱۲۷۶ش	نوبهار	۵-۸۰	۱۳۳۳ق/۱۲۹۴ش
ثریا	۴۰-۸	۱۳۱۷ق/۱۲۷۸ش	رعد	۵۸-۱۲۳	۱۳۳۷ق/۱۲۹۸ش
اطلاع	۵۳۷-۹	۱۳۲۳ق/۱۲۸۴ش	تجدد	۵۰-۵۱	۱۳۳۸ق/۱۲۹۹ش

۴. مبانی نظری

۴-۱. مطبوعات عصر قاجار

مطبوعات در ایران، ۸۹ سال عمر خود را در دوره قاجار، ۵۳ سال را در دوره پهلوی و بقیه را در دوران جمهوری اسلامی ایران گذرانده‌اند. ۸۹ سال حیات مطبوعات در عهد قاجار را می‌توان به هشت دوره فرعی تقسیم کرد: «دوره محمدشاه، دوره ناصرالدین شاه، دوره مظفرالدین شاه تا صدور فرمان مشروطیت، مشروطه اول از به توپ بستن تا فتح تهران، مشروطه دوم تا ۱۳۳۶ق، از ۱۳۳۶ق (۱۲۹۶ش) تا کودتای سوم اسفند ۱۲۲۹، از کودتا تا انقراض قاجار» (قاسمی، ۱۳۷۹: ۱۵).

قدمت اولین روزنامه ایرانی به‌طور تقریبی به ۱۹۰ سال قبل برمی‌گردد. این روزنامه (کاغذ اخبار) را میرزا صالح شیرازی در سال ۱۲۵۳ق (۱۲۱۷ش) در زمان حکومت محمدشاه قاجار منتشر کرد. انتشار این روزنامه به‌صورت نامرتب بود؛ اما برخلاف آن، روزنامه وقایع اتفاقیه که امیرکبیر آن را منتشر کرد، شکل منظمی داشت. این روزنامه سال‌ها به‌صورت هفتگی چاپ می‌شد.

بعد از بر تخت نشستن مظفرالدین شاه تا زمان وقوع انقلاب مشروطه، کم‌کم چاپ و نشر روزنامه‌های فارسی در داخل و خارج افزایش یافت. در همین زمان بود که روزنامه‌های آزاد و غیردولتی نیز مانند روزنامه‌های دولتی، رشد چشمگیری پیدا کرد. این روزنامه‌ها همراه با روزنامه‌هایی مثل ثریا (در مصر) و جبل‌المتین (در کلکته)، سبب آشنایی ایرانیان با تحولات اقتصادی و سیاسی جهان شد و موجب گردید مردم از حقوق قانونی خود مطلع شوند. همین مسائل باعث شد پژوهشگران انقلاب مشروطه، مطبوعات را علت شکل‌گیری مشروطه بدانند. در خصوص نقش نشریات در این دوران، نویسنده کتاب *ایران بین دو انقلاب* می‌گوید: «از شش ماه بعد از آغاز انقلاب تا ده ماه پس از تشکیل مجلس شورا، شماره روزنامه‌ها و مجلات به صد عنوان رسیده بود. اکثر آن‌ها

عناوینی خوش‌بینانه، ملی‌گرایانه و تندرو داشتند: ترقی، بیداری، وطن، آدمیت، اتحاد، امید و عصر نو. شدیدالحن‌ترین و پرتطرف‌دارترین نشریات را اعضای سازمان مخفی منتشر می‌کنند. به نظر می‌رسید روشن‌فکران پس از سال‌ها سکوت اجباری، اکنون برای بیرون‌ریختن همه افکار سیاسی تازه خود، به انتشار مجله و روزنامه روی آوردند» (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۱۱).

در زمان سلطنت ناصرالدین شاه ۳۶ نشریه (ادواری) و تعداد اندکی شب‌نامه منتشر شد. در دوره مظفرالدین شاه ۵۸ نشریه (ادواری) در داخل کشور و تعداد ۲۰ نشریه در خارج منتشر می‌شد. نام چهل نشریه با نام نگارنده و مدیر روزنامه‌های ذکر شده در کتاب *خاطرات من یا تاریخ صدساله ایران* ذکر شده است. روزنامه‌های این دوره، خواه دولتی و خواه ملّتی، در بیان نظر خود آزاد بودند و بیشتر به بیان مسائل اجتماعی و سیاسی می‌پرداختند. همچنین «مندرجات جراید این دوران، نه تنها متوجه فعالیت‌های داخلی و انتقاد از امور داخلی حکومت بود، بلکه قسمت مهمی از نوشته‌های این دوره به امور حاکمیت و استقلال ملّی ایران اختصاص داشت و روزنامه‌نگاران این دوره علیه نفوذ خارجیان و رقابت انگلیس و روس در ایران مبارزه می‌کردند» (مولانا، ۱۳۹۷: ۱۱۸). از دیگر خصوصیات روزنامه‌های دوره مظفری می‌توان به همکاری رهبران انقلابی و اصلاح‌طلبان و آزادی‌خواهان و روزنامه‌نگاران اشاره کرد. همچنین کسانی که از وضع ایران ناخشنود و آماده مبارزه علیه استبداد بودند، محیط بسیار مناسبی برای شکوفایی روزنامه‌نگاران پدید آورده بودند؛ به طوری که خصایص انقلابی و نویسندگی و آزادی‌خواهی در همه دیده می‌شد. ویژگی دیگر مطبوعات این دوره، رواج روزنامه‌های غیردولتی بود. این تحول در زمان سلطنت ناصرالدین شاه فرصت تحقق پیدا نکرد و در مدّت کوتاهی توانست هدف و رسالت خود را در قبال مردم مشخص کند. تعریف‌هایی که از روزنامه‌های غیردولتی ارائه می‌شد، متنوع بود. «منظور از روزنامه آزاد، روزنامه‌ای است که دولت یا حکام وقت در ولایات، در طبع آن دخالتی نداشتند و به دست اشخاص غیردولتی اداره می‌شده است» (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۹).

محمدعلی شاه در سال ۱۲۸۶ش به سلطنت رسید. ابتدا علاقه چندانی به روزنامه‌نگاری نشان نداد؛ به طوری که در دوران حکومت خود سعی کرد به قانون مشروطیت خاتمه دهد. برخی روزنامه‌ها مانند صور اسرافیل، علاوه بر جنبه سیاسی، دارای ویژگی‌های ادبی نیز بودند. این روزنامه با مقالات علی‌اکبر دهخدا، در میان روشن‌فکران و ادیبان بسیار مشهور شد. در میان روزنامه‌های این دوره، روح‌القدس با مقاله‌های کنایه‌آمیز خود، محمدعلی شاه را خشمگین کرد و پذیرش انقلاب مشروطه و نتایج آن را بیش از پیش برای محمدعلی شاه دشوار ساخت. حدود یک سال پس از کودتای محمدعلی شاه، از قانون اساسی و مشروطیت در تهران خبری نبود و در همین دوران، روزهای تاریک مطبوعات ایران شروع شد. از به توپ بستن مجلس تا سقوط محمدعلی شاه، بازار مطبوعات فارسی برون‌مرزی به‌علت استبداد شاه و فشار دولت پیشرفت کرد. چاپ و انتشار چند روزنامه در تهران ادامه یافت؛ ولی کانون چاپ و نشر به بیرون از تهران و حتی خارج از کشور کشیده شد (رک: طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۴۶).

بعد از آنکه محمدعلی شاه از ایران فرار کرد؛ یعنی سال ۱۳۲۷ق، احمد شاه به‌جای او بر تخت سلطنت نشست. در این دوران، بسیاری از نویسندگان مطبوعات که در زمان محمدعلی شاه در خارج از کشور بودند، به ایران بازگشتند و در این حرفه، رونقی ایجاد کردند و مطبوعات ایران، وارد مرحله تازه‌ای شد.

آنچه در مطبوعات حزبی این دوره درج می‌شد، خشن و منتقدانه بود. احمد شاه به‌دلیل سن کم و نیز رقابت شدیدی که بین دولت‌های قدرتمند بر سر تصاحب منابع ایران وجود داشت، قادر به اداره امور نبود؛ به همین دلیل، اختلاف و دشمنی زیادی بین مطبوعات و حکومت به وجود آمد. این مسئله موجب تضعیف و توقیف مطبوعات می‌شد؛ به گونه‌ای که چند روزنامه، همان زمان در تهران توقیف شد. در این دوران، دولت‌های مختلف برای ایستادگی در برابر مطبوعات سعی کردند قوانینی را تصویب کنند. این رویدادها هم‌زمان با دوره مجلس دوم بود. از این زمان به بعد، مطبوعات از نظر انعکاس حوادث و بیان مطالب، ابزاری برای توسعه ایده‌های دو گروه سیاسی شدند.

جنگ قلمی که بین این دو گروه سیاسی شکل گرفته بود، مانع توسعه مطبوعات می شد. «همچنین نشر بعضی مطالب در این سال‌ها علیه دولت روسیه (که سبب حوادث ناگوار در ایران شد)، سبب خشمگین شدن روس‌ها و شکایت آن‌ها شد. حتی به مرحله توقیف و تعهد رسید. بعدها نیز با سانسور مطبوعات قبل از چاپ، عرصه بر مطبوعات تنگ شد» (قاسمی، ۱۳۹۴: ۳۶). با تغییر و تحول سیاسی که سال‌های بعد اتفاق افتاد و همچنین استعفای احمد شاه و انقراض سلسله قاجار، مطبوعات سیاسی و حزبی و منفرد این دوره از تاریخ ایران، روزهای آخر خود را سپری می کرد.

۴-۲. سبک‌شناسی لایه آوایی

سبک‌شناسی لایه‌ای، از به هم آمیخته شدن علم سبک‌شناسی و شیوه فرمالیسم‌ها شکل می گیرد. «سبک‌شناسی لایه‌ای، متن را در پنج لایه بررسی می کند. این لایه‌ها سطوح و واحدهای تحلیل در زبان هستند و عبارت‌اند از: لایه آوایی، لایه نحوی، لایه معناشناسیک و کاربردشناسیک» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۳۷).

۵. تحلیل سبک‌شناسانه نثر روزنامه‌های دوره قاجار

زبان مطبوعات این عصر را از منظر زبانی، می توان به سه دوره تقسیم کرد: دوره اول، آغاز عصر قاجار تا سلطنت محمدشاه که هیچ نوآوری در نثر دیده نمی شود. اندک نوآوری‌هایی که قائم مقام در نثر خود آورد، باعث شد این دوره، اندکی با دوره‌های قبل متفاوت شود. دوره دوم، سلطنت ناصرالدین شاه را در بر می گیرد که نویسندگان ایرانی با انواع جدید ادبی، مثل روزنامه‌نویسی و ترجمه آثار غربی و نمایش‌نامه‌نویسی آشنا شدند. در این دوران، ترجمه آثار غربی، به‌ویژه داستان‌ها و رمان‌هایی مثل سرگذشت حاجی‌بابای اصفهانی انجام گرفت. دوره سوم که دوران سلطنت مظفرالدین شاه تا انقلاب مشروطه است، نویسندگان ایرانی تلاش کردند به خود هویت ببخشند و فقط از آثار غربی تقلید نکنند. موضوعاتی مثل قانون و آزادی و دموکراسی، در آثار این دوره راه یافت. در همین دوران بود که کم‌کم نثری ساده به تقلید از اروپاییان شکل گرفت و نثر به سمت ساده‌نویسی و ساده‌گویی سوق پیدا کرد.

اکنون برای بررسی دقیق‌تر و علمی‌تر موضوع، نثر این دوره را در قالب سبک‌شناسی لایه‌ای، در پنج لایه بررسی می‌کنیم:

۵-۱. لایه آوایی

خواننده با اولین چیزی که در اثر مواجه می‌شود، لایه آوایی و تغییراتی است که در سطح تلفظ و آوای آن اثر حس می‌کند. بررسی این تفاوت‌ها در متن‌های مختلف، در مبحث سبک‌شناسی اهمیت دارد؛ زیرا به صورت مستقیم و غیرمستقیم درباره نویسنده یا دوره اثر، اطلاعاتی می‌دهد. به عبارت دیگر، نحوه کاربرد واحدهای آوایی، سبک‌شناسی آوایی است و در لایه آوایی، تفاوت‌های آوایی در زبان بررسی می‌شود. تفاوت‌های آوایی یک واژه در مقایسه با تلفظ رایج آن می‌تواند ناشی از عوامل جغرافیایی، سنی، جنسیتی، تاریخی و گاه حتی جسمی و فیزیولوژیکی و نیز تأثیرات زیبایی‌شناسیک باشد. «سبک‌شناسی آوایی، ارزش و کاربرد آواها و تأثیرات زیبایی‌شناسیک و نقش آن‌ها را در سبک سخن مطالعه می‌کند. بخش عمده زیبایی‌های موسیقایی، حاصل لایه آوایی است» (همان: ۲۴۸).

از آنجایی که تغییرات آوایی به سطح بیرونی زبان مربوط می‌شود، بررسی سبک‌شناسی از این نظر، به تأثیر زیبایی‌شناسیک آواها در ساحت آرایه‌هایی مثل سجع و جناس و واج‌آرایی و وزن می‌پردازد. نثر، فاقد موسیقی بیرونی (وزن و قافیه) است. موسیقی درونی، نتیجه کاربرد سجع و جناس در نثر است. این نکته در سطح بلاغی بررسی می‌شود؛ اما ما آن را در لایه آوایی بررسی می‌کنیم و در لایه بلاغی، برخلاف سطح آوایی، صورت‌های معنایی که در معنا نیز اثرگذار هستند، بررسی می‌شوند. همچنین در این بخش به بررسی تغییرات آوایی، در قالب عنوان متغیر تاریخی پرداخته می‌شود.

متغیر تاریخی: در تحلیل لایه آوایی روزنامه‌ها، متغیر تاریخی، بیشتر از متغیرهای دیگر (جغرافیایی، سنی، جنسیتی و...) نمود پیدا کرد؛ به طوری که از ۱۵۵ نمونه به‌دست آمده در همه روزنامه‌ها، روزنامه تربیت با ۱ مورد و روزنامه ناصری با ۱۹ مورد،

به ترتیب، کمترین و بیشترین بسامد را دارند. در روزنامه دولت، نمونه‌ای مشاهده نشد. این تغییر در نوع نوشتار و تلفظ واژه‌ها، بیش از اینکه ناشی از تفاوت‌های جغرافیایی و لهجه‌ای باشد، به دلیل تأثیرات آن دوره تاریخی است. برخی از واژه‌ها مثل «پترزبورغ»، به احتمال زیاد از ابتدا این گونه تلفظ می‌شد و بعدها تلفظ آوایی جدیدی پیدا کرد. حذف واج در یک واژه مثل «اروپ» به جای اروپا، هرچند اندک، ولی با هدف ایجاز و اختصار در متن بود. استفاده از سجع و جناس و واج آرایی که درصد بیشتری از متغیر تاریخی دارد، به نظر می‌رسد بیشتر به صورت اتفافی بوده و احتمال اندکی داده می‌شود که هدف، زیبایی‌بخشی و موسیقی‌بخشیدن به متن باشد؛ اگر هم چنین بوده باشد، هدف، بیرون آوردن متن از حالت اخباری صرف بوده است.

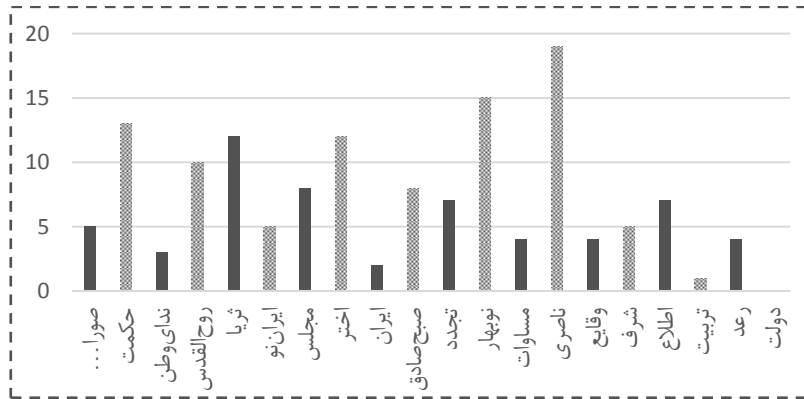
- «از این طرف، روزنامه‌های پترسبرک و روم از وقوع نامزدی... می‌گویند» (شماره ۹، ص ۱۳۱).

- «در این نمره فقط به درج یک تلفون او که در ایام محاصره تبریز به لشکر ظلم فرمان‌فرمایی می‌نمود» (شماره ۲۹، ص ۱).

- «از قراری که روزنامه طیمس خبر می‌دهد، دولت ایتالیه قرار داده است» (شماره ۱، ص ۴).

- «دول انگلیس و آمریکا و آلمان...» (شماره ۹، ص ۱).

- «حکومت پترزبورغ آن را رفع نمود» (شماره ۳۵۰، ص ۱۷۲۰).



نمودار متغیر تاریخی در روزنامه‌ها

سجع: استفاده از سجع در این روزنامه‌ها به شکل ساده و ابتدایی به چشم می‌خورد. آنچه در این قسمت بررسی شد، سجع متوازی و مطرف است. سجع متوازی که عبارت است از هماهنگی روی در پایان کلمه‌ها و هم‌وزن بودن آن‌ها، از نظر موسیقایی ارزش بیشتری دارد و پس از آن، سجع مطرف قرار دارد که هماهنگی روی در پایان کلمه‌هاست. استفاده از سجع در مثال‌های زیر، در پایان پاره کلامی یا به صورت دو کلمه صحیح در کنار هم، بدون هیچ واسطه‌ای دیده می‌شود یا صفت‌های یک موصوف با کمک سجع در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند. از ۱۵۱ نمونه، روزنامه ایران نو با ۴ و روزنامه ناصری با ۱۵ مورد، به ترتیب، کمترین و بیشترین بسامد کاربرد سجع را دارند.

- «عبادات بدنی و سیاسات مدنی را حاوی ست» (شماره ۳، ص ۴).

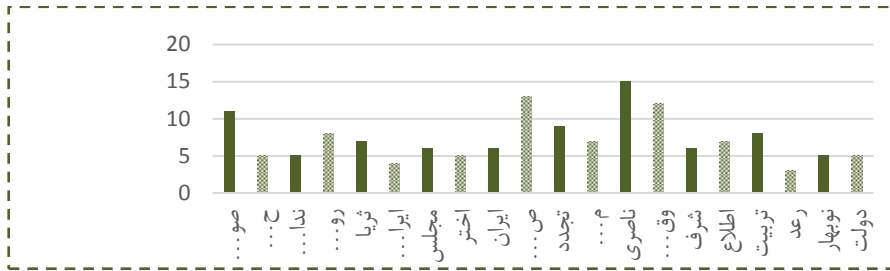
- «از مساعدت‌ها و معاضدت‌های معظم‌له انتفاع حاصل کنند» (شماره ۷۳، ص ۲).

- «مغلوبیت و مغبونیت خودشان، در پیش چشم خود مشاهده می‌کنند» (شماره ۵۰،

ص ۱).

- «از ادانی و اقاصی به اقدام و نواصی از در ضراعت و استیمان درآمد» (شماره

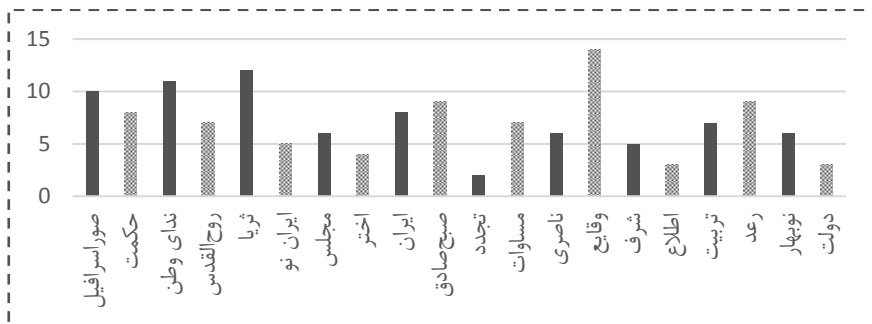
۵۶۸، ص ۲).



نمودار کاربرد سبع در روزنامه‌ها

واج آرایبی: در قسمت‌هایی از روزنامه‌های این دوره، بازی‌های آوایی دیده می‌شود که می‌توان آن را ذیل عنوان واج آرایبی بررسی کرد. این برجستگی‌های آوایی از تکرار یک واج تشکیل می‌شوند. در مقوله واج آرایبی، روزنامه تجدّد با ۲ و روزنامه وقایع اتفاقیه با ۱۴ نمونه، کمترین و بیشترین بسامد را دارند.

- «تبصّص و تجسّس و تدکّس اجانب و توغّل و تداخل همسایگان و تعدی و تطاول آن‌ها... در هم نپوشید» (شماره ۹۳۵، ص ۲).
- یکی از خیابان‌های معظم مسکو مرکز فعالیت موتوربست‌ها و موردعلاقه و توجّه کلیه جهانیان خواهد بود» (شماره ۲۱، ص ۵).
- «با حضور وزراء عظام و ارباب دوایر و مهمام به جلال امور دولتی و معظّمات مهمام مملکتی اشغال می‌فرمایند» (شماره ۷، ص ۱).

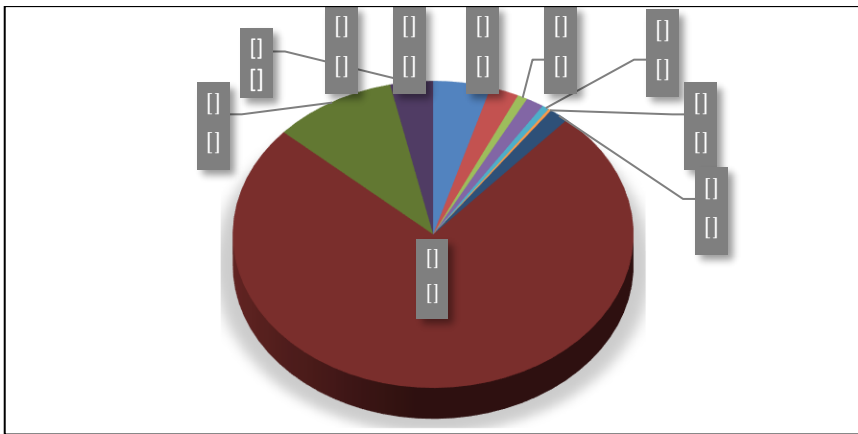


نمودار واج آرایبی در روزنامه‌ها

۵-۲. لایه واژگانی

آنچه بیشتر از هر چیزی هویت یک متن را مشخص می‌کند، واژگان آن متن است که سبک و سیاق آن متن را به جهتی سوق می‌دهد. بخش عمده‌ای از سرشت یک سبک را نوع گزینش واژه‌ها می‌سازد. واژه‌ها در طول تاریخ، دچار تغییراتی می‌شوند و از نظر ویژگی‌های ساختمانی و گونه‌های دلالت و مختصات معنایی، انواع متنوعی دارند. این تنوع طیف‌های واژگانی، زمینه تنوع سبکی را پدید می‌آورد؛ از این رو، برای سبک‌شناسی، کاربردهای برجسته، معنادار و نقشمند یک نوع واژه یا یک طبقه واژگانی در متن، اهمیت دارد.

بررسی متن از لحاظ واژگان رمزی، عامیانگی و شکوهمندی، کهن‌گرایی، کاربرد واژه‌های بیگانه، کاربرد واژه‌های عربی و تکرار و ترادف، از جنبه‌های سبک‌شناسی در لایه واژگانی است که در نمودار زیر، بسامد تکرار آن را می‌توان دید:



نمودار بسامد تکرار مصادیق لایه واژگانی

رمزگان: یکی از روش‌های رسیدن به جهان‌بینی پنهان در متن، بهره‌بردن از طریق رمزگان است. با توجه به اوضاع و شرایط سیاسی آن دوران، اصطلاحات و رمزگان سیاسی و در کنار آن، واژگان مربوط به شریعت، بسامد زیادی دارد؛ به طوری که در این مقوله، رمزگان سیاسی با ۴۳۸، رمزگان شریعت با ۱۱۸، رمزگان نظامی با ۷۳،

رمزگان اقتصادی با ۴۱، رمزگان اسلامی با ۲۹ و رمزگان فلسفی با ۱۲ مورد، به ترتیب بیشترین تا کمترین تعداد را دارند. این واژگان با ۵ درصد، بیشترین بسامد را دارند. بعد از آن، واژگان مربوط به شریعت با ۲ درصد نقش پررنگ تری ایفا می کنند. نوع رمزگان در لایه واژگانی، میزان وابستگی و نسبت نویسنده و مؤلف را با جهان بینی و نهادهای قدرت مشخص می کند.

رمزگان سیاسی:

- «در پارلمان و مجلس مقدس شورای ملی... سی کروور نفوس ایران رئیس مجلس...» (روح القدس، شماره ۲۷، ص ۴).

- «در قاموس حزب بلشویک استعمار و استثمار وجود ندارد» (ایران نو، شماره ۲۱، ص ۱).

- «در عرض ۵ سال تمام بین حکومت استبدادی و حکومت ملی را نداده» (مجلس، شماره ۷۳، ص ۱).

رمزگان شریعت:

- «تلگرافی اجمالی از مجلس جشن... در شب عید ولادت حضرت ثامن الائمه علیه آلا ف النشاء و التَّحِيَّه نكارش یافت» (ایران، شماره ۷، ص ۴).

- «حجّة الاسلام والمسلمين آخوند ملا کاظم خراسانی که به عزم زیارت آستانه مقدسه رضویه حرکت فرمودند» (صبح صادق، شماره ۴۲، ص ۴).

- «بحمد الله تعالى روز دوشنبه ۱۶ محرم به همت غیورانه... کنده شد» (مساوات، شماره ۲۹، ص ۷).

عامیانگی: هر بافت متنی از دو جهت (رسمی و عامیانه)، واژه های خاص خودش را دارد. تعابیر عامیانه، واژه هایی هستند که در گروه های پایین جامعه رایج می شود. در نثر روزنامه ای، درصد عامیانگی کم است. در دهه های اول این دوره که روزنامه نگاری، تنها در خدمت دربار و دولت بود و به خواست و دستور آنها نوشته می شد، روزنامه نگاران تلاش می کردند از واژه هایی استفاده کنند تا از شکوه و اعتبار اجتماعی

زیادی برخوردار باشند. در دهه‌های بعد، با توجه به اینکه ساده‌نویسی کم‌کم داشت رایج می‌شد و روزنامه‌ها در اختیار عامه مردم قرار می‌گرفت، اندکی واژگان عامیانه وارد نثر مطبوعات شد. در مقوله کاربرد تعابیر عامیانه، از ۸۱ نمونه به دست آمده، مجلس، اختر، ایران، تجدد و دولت با ۱ و صور اسرافیل با ۱۰ مورد، کمترین و بیشترین بسامد را دارند. با توجه به اینکه روزنامه‌نگاری از آغاز، زیر نظر دربار و دولت انجام می‌شد و بیشترین مخاطبان روزنامه‌ها آن‌ها بودند، سعی می‌شد از تعابیر و واژگان فاخر و رسمی استفاده شود و از تعابیر عامیانه به ندرت استفاده می‌شد.

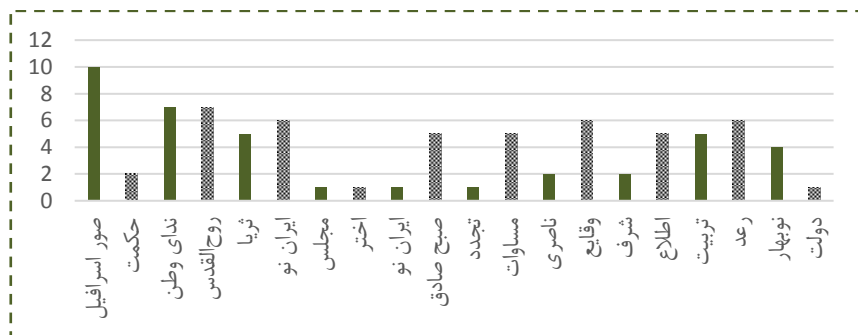
- «میدان به دست عده همکاران آن‌ها داده که راه آهن را بچپانید» (ایران‌نو، شماره ۲۱، ص ۲).

- «پس از چند هزار سال اسارت و دربه‌دوری عموم ملت به دست آورده» (مساوات، شماره ۲۱، ص ۴).

- «چقدر این گمان از مسئله خارج و از موضوع پرت است» (مساوات، شماره ۲۱، ص ۴).

- «از جمله اراجیف شمرد» (اطلاع، شماره ۵۳۷، ص ۳).

- «آب تمامی آن‌ها و اراضی بلوچستان که دخلی به آب کوهک ندارد» (دولت، شماره ۴۷۷، ص ۲).



نمودار تعابیر عامیانه در روزنامه‌ها

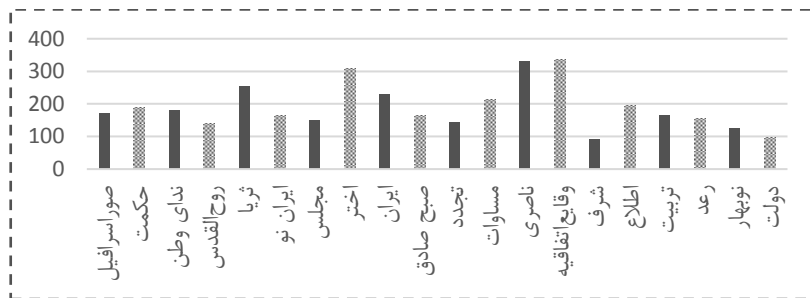
عربی مآبی: در سال‌های اولیه این دوره، با توجه به وقایع اتفاقیه، اختر، دولت و ایران، در مقایسه با سال‌های پایانی این دوره، درصد عربی مآبی بسیار بود؛ چنان که متن را به شدت دچار تکلف می‌کرد و برای کسانی که با ادبیات عرب آشنایی نداشتند، فهم این گونه واژگان و در نتیجه، فهم مطالب، دشوار می‌شد. از تعداد ۳۸۰۲ واژه عربی به دست آمده از روزنامه‌ها، روزنامه شرف با ۹۲، روزنامه اختر با ۳۱۰، روزنامه ناصری با ۳۳۰ و روزنامه وقایع اتفاقیه با ۳۳۵ واژه، به ترتیب کمترین تا بیشترین بسامد را دارند.

- «جمع مایحتاج انسانی را الی یوم القیمه بیان کرده» (روح القدس، شماره ۳، ص ۴).

- «دو شهر را که روزانه فقط چند اتومبیل در آن ایاب و ذهاب می‌کنند» (ایران نو، شماره ۲۱، ص ۵).

- «بقای آقایان کما فی السابقی بوکالت تصویب شد» (مجلس، شماره ۷۳، ص ۳).

- «جل شأنه که اوهام ذوی الافهام از ادراک کنه جلالش مبهور بادیه حیرت و افکار ذوی العقول از استنباط مدارج کمالش مستغرق بحر فکرت است» (ناصری، شماره ۱، ص ۲).



نمودار عربی مآبی در روزنامه‌ها

تعبیر بیگانه: تعبیر بیگانه به کاررفته در روزنامه‌ها بیشتر فرانسوی و روسی بود. بیشتر این تعبیر به سال‌های ۱۲۸۵ تا ۱۲۹۹ مقارن با انقلاب مشروطه برمی‌گردد. نویسندگان تصمیم گرفتند برای خودشان هویت مستقل ایجاد کنند و دست از ترجمه آثار اروپاییان بردارند. به دلیل ارتباط با کشورهای اروپایی، بسیاری از واژگان فرنگی و بیگانه وارد نثر

فارسی شد. چون فرهنگی مناسب برای معادل‌یابی در آن زمان وجود نداشت، بسیاری از این واژه‌ها را به همان شکل فرنگی به کار می‌بردند. با برقراری رابطه پایدار با دولت‌های خارجی و شکل گرفتن هسته دستگاه‌های اداری، به تقلید از مدل‌های اروپایی سعی کردند سبک دشوار را کنار بگذارند و از زبان اداری آن‌ها (به‌خصوص فرانسه و انگلیس و روس) تقلید کنند. آشنایی با شیوه‌های خوراک و پوشاک و آداب اجتماعی فرنگی مآبی باعث شد در سال‌های اولیه کم‌کم و بعد از آن به سرعت، صدها واژه مربوط به آن را وارد زبان فارسی کنند. در مقوله کاربرد تعابیر بیگانه، از ۵۰۵ واژه، روزنامه دولت با ۰، روزنامه ثریا با ۸ و ایران نو با ۶۶ واژه، به ترتیب کمترین تا بیشترین بسامد را دارند.

- «در کترات او شرط شده بود که مداخله در امور پلتیکی و مذهبی نکنند» (مجلس، شماره ۷۳، ص ۲).

- «دیسپلین در ادارات باید باقی و محفوظ بماند» (تجدد، شماره ۵۱، ص ۲).

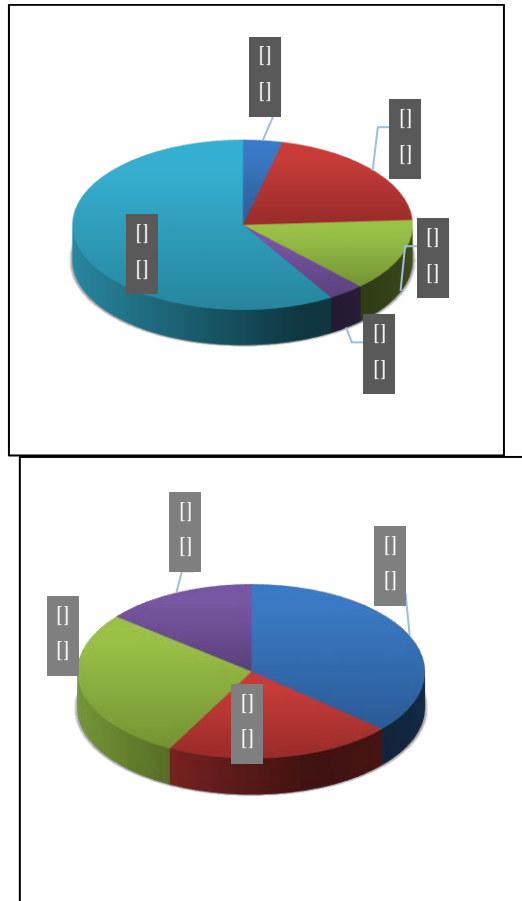
- «مسیو تیزا به عضویت پارلمنت مجارستان منتخب شد» (شماره ۶۰، ص ۲).

- «راپورت بدهند که اقدامات لازمه به عمل آید» (رعد، شماره ۱۲۳، ص ۲).

با کهنه‌گرایی و تعابیر کهن در نثر روزنامه‌ای مواجه نشدیم. اگر هم باشد، بسیار کم است. لغات و تعابیر مترادف و تکراری دیده می‌شود که بیشتر برای تأکید بر مفهوم جمله و مطلب است. در مقوله تکرار لغات، از ۹۳ نمونه به دست آمده از همه روزنامه‌ها، ایران با ۰، مجلس، ثریا و شرف با ۱ و وقایع اتفاقیه با ۱۴ مورد، کمترین تا بیشترین بسامد را دارند. در مقوله بررسی کلمات مترادف، از ۱۷۵ نمونه به دست آمده، روزنامه ثریا با ۱ و روزنامه تجدد با ۲۷ مورد، کمترین و بیشترین بسامد را دارند. تکرار و ترادف، بیشتر برای تأکید به کار می‌رفته است.

- «بروید بروید که فرقه احرار دیر یا زود دسته‌دسته از دنبال می‌رسند» (صور

اسرافیل، شماره ۱، ص ۸).



نمودار بسامد تکرار مصادیق لایه نحوی

در بررسی لایه نحوی، درصد جمله‌های دراز بیشتر است؛ به گونه‌ای که تعداد جملات طولانی با یک فعل، ۸۲ مورد و جملات طولانی متصل یا تودرتو، ۱۸۸ مورد است. از آنجا که نویسندگان این مطبوعات از یک دوره به بعد (از روزگار پادشاهی ناصرالدین‌شاه)، کم‌کم تصمیم گرفتند سبک دشوار را رها کنند و به ساده‌نویسی روی آورند، سعی کردند جملاتی درخور حوصله و فهم عامه بیاورند. سبک این روزنامه‌ها تا حدی وام‌دار جملات هم‌پایه (با ۳۷ درصد) و کاربرد فراوان واو عطف است که به تکرار در متن کاربرد یافته است. این موضوع به سبک پرشتاب متن کمک می‌کند.

چند نمونه درازنویسی:

«جناب مستطاب آقامیرزا محمد ندیم باشی همایونی که از جمله برآوردگان این عهد خجسته و میمون و از تربیت یافتگان مخصوص آستان مقدس همایون و با حسن صفات و محسنات اخلاق آراسته و از شوائب نواقص پیراسته می‌باشند» (ناصری، شماره ۱، ص ۷).

«نواب والا شاهزاده عظام آقای نایب السلطنه و سایر شاهزادگان عظام و امیرزادگان گرام وزراء و امرا فخام و سرداران و صاحب‌منصبان عسگریه و سایر وجوه طبقات چاکران دربار دولت نیز حسب‌الدعوه جناب وزیر و خصوص در آن بساط ضیافت حاضر و به شرف حضور حضرت اشرف ولایت... نایل بودند» (تجدد، شماره ۷، ص ۱).
سبک هم پایه:

«مردم نادان دهاتی متقلب را در پرورش کرم و رسانیدن محصول و استحصال به حال خود نگذاشتند و قوانین مخصوصه برای آن معین کردند و مکاتب متعدده برای تعلیم آن صنعت باز نمودند» (اختر، شماره ۱۰، ص ۱۴۸).
سبک پیوسته:

«حکم فرموده‌اند که در خلوت مشورت خانه خاصه وزراء، این اوقات مشغول نوشتن یک قانون محکمی برای نظم کلیه قشون و جبه‌خانه و... باشند که بعد از این، از آن قرارداد ابداً متخلف نشود» (دولت، شماره ۴۷۷، ص ۱).
سبک گسسته:

«قبل از ظهر، آقای سردار همایون، معاون وزارت جنگ، به عمارت باستیان تشریف برده. اثاثیه و قورخانه موجودی آنجا را معاینه و از آنجا به سربازخانه... تشریف آورده. به تمام اطاق‌ها و مریض‌خانه و غیره... سرکشی فرمود... تعلیمات لازمه برای دروس و تنظیمات داخلی مدرسه داده‌اند» (رعد، شماره ۱۲۳، ص ۲).

سبک متصل (تودرتو):

«اگرچه این اخبار چون به تواتر به ما رسیده و می‌رسد، نمی‌توان تکذیب کرد؛ ولی با این همه نتوان از نظر دور داشت که بلاشک غله و حبوبات کمیاب است. در این صورت، قرص حکومت محلی است که به هر وسیله که ممکن است از اطراف به طهران غله جلب نماید و نگذارد مردم از دست بروند که پایتخت از هر جهت همیشه باید معمور باشد» (ثریا، شماره ۸، ص ۲).

فعل در وجه وصفی: فعل در وجه وصفی (آن هم به شیوه غلط) در روزنامه‌ها بسیار پرکاربرد بوده است. با آوردن فعل در وجه وصفی، جملات به سبک هم‌پایه در این نوع نثر زیاد می‌شد. در مقوله کاربرد فعل در وجه وصفی، از ۳۸۹ نمونه به‌دست آمده، روزنامه ندای وطن با ۵، ثریا با ۶ و اختر با ۴۲ مورد، کمترین و بیشترین بسامد را دارند.

- «در ساعتی خوب، دروازه را باز کرده و مردم را آسایش کلی در عبور و مرور به هم رسیده» (دولت، شماره ۴۷۷، ص ۲).

- «همه شخصاً مثل ذات مقدس تو پاک و بی‌گناه و مبرا بوده و آنچه را که ملت به آن‌ها نسبت دادند و به آن گناه آن‌ها را گرفته» (صور اسرافیل، شماره ۱، ص ۲).

- «هیجان و خیم صنعتی و سیاسی ظهور کرده... اعتصاب عمومی شروع گشته... انقلابیون و ضدانقلابیون تشکیلات خود را مرتب کرده. عملجات معادن... اعتصاب نموده» (رعد، شماره ۸، ص ۴).

حذف فعل بی‌قرینه: در روزنامه‌ها با نثر عادی، سه درصد حذف فعل بی‌قرینه دیده شد و در نثر ادبی، یک درصد. فراوانی حذف فعل در روزنامه‌ها به این سبب بود که نویسنده برای ایجاز و اختصار و کوتاه کردن جمله، از این شیوه استفاده می‌کرد؛ بدون توجه به اینکه این اختصار ممکن است در فهم جمله مشکل به وجود آورد. در مقوله حذف فعل بی‌قرینه، از ۸۶ نمونه، روزنامه حکمت، تجدد، وقایع و تربیت با ۱ و روزنامه شرف و اطلاع با ۰ مورد، کمترین تعداد و روزنامه رعد با ۱۳ و مساوات با ۱۲ مورد، بیشترین بسامد را دارند.

- «از نزدیک شدن کوچک‌ترین مأمورین ناحیه با اوی ممانعت [به عمل آمد] و شب‌ها به اتفاق (بال) بساط قمار را دائر [می‌کردند] و بالاخره زمینه فراهم می‌گردد» (ایران نو، شماره ۲۱، ص ۲).

- «وکلای محترم از هر بلدیة برای ترقی وطن انجمن‌های بلدیة تشکیل [دادند] و به احیای حیات با کمال و ارشاد برای نوباوگان مدرسه تربیت و ادب فراهم نموده» (صبح صادق، شماره ۴۲، ص ۲).

- «اوّلین ماه دوم مجلس شروع [شد] و روزی است که باید یک اعتبارنامه بی‌تکلیف در پارلمان موجود نباشد» (نوبهار، شماره ۵، ص ۱).

جابه‌جایی ارکان جمله: میزان جابه‌جایی ارکان جمله در نثر روزنامه‌ای این دوره، ۴ درصد است. از ۷۳ نمونه شمارش‌شده، روزنامه‌های صبح صادق، اختر، حکمت، ناصری و نوبهار با ۱ و ندای وطن و ثریا با ۱۰ مورد، کمترین و بیشترین بسامد را دارند.

- «بدبختانه در مملکت ما خود آن‌ها هستند محل به نظام و دشمن امنیت و سرحدات» (ندای وطن، شماره ۳۰، ص ۳).

- «در هر شهری تکلیف تماشای تیاتر و کارخانه و جبه خانه مدرسه نظامی و... که یک نوع احترام است کرده رعایت احترام شاه را» (وقایع اتفاقیه، شماره ۲۶۳، ص ۱۶۷۴).

۵-۴. لایه بلاغی

در بررسی لایه بلاغی، تعدادی جناس و سجع و واج‌آرایی بود که بنا به دلایلی که در بررسی لایه آوایی گفته شد، آن‌ها را در آن بخش ذکر کردیم. از آنجا که هدف مطالب روزنامه، نقل اخبار است، آرایه‌های بلاغی در آن‌ها کمتر به چشم می‌خورد، مگر تعدادی تضمین و استناد به بیت و مصراع‌های عربی و فارسی:

- «بودم آن روز من از طایفه دُردکشان/ که نه از تاک نشان بود و نه از تاک‌نشان» (روح‌القدس، شماره ۳، ص ۱).

- «ذات نایافته از هستی بخش / کی تواند که شود هستی بخش» (تربیت، شماره ۴۰، ص ۱۵۸)

- «کل مولد یولد علی الاسلام / الا ابواه یهودانه و ی نصرانه» (روح القدس، شماره ۲۷، ص ۱)

- «اری خلل الرماد و میض النار / و لو شک ان یكون لها ضرام» (حکمت، شماره ۱۸، ص ۱)

همچنین در برخی از این روزنامه‌ها به صورت انگشت‌شمار، آیات و احادیث عربی آمده است:

- «لاحول و لا قوة الا بالله» (ثریا، شماره ۴۰، ص ۴).

- «والسلام و قد تغیرت احواله الیوم عما كانت علیه» (تربیت، شماره ۳۵۰، ص ۱۷۱۴).

- «و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری» (حکمت، شماره ۱۸، ص ۷).

تنها مجموعه کم‌حجم چرند و پرند دهخدا که در آن، آرایه بلاغی زیادی وجود دارد، در پاورقی روزنامه صور اسرافیل آورده شده است و دلیل آن، انتخاب زبان طنز برای موضوعات سیاسی روز است. موضوع این مجموعه، انتقاد سیاسی اجتماعی است با زبان نیش‌دار و طنزآمیز که در زبان فارسی کم‌سابقه است. در بقیه موارد، بنا بر اقتضای نثر معمول و رعایت حال خواننده، نمی‌توان نثر ادبی را برگزید و آن را از لایه بلاغی بررسی کرد.

۵-۵. لایه ایدئولوژی

ایدئولوژی، اعتقاد به ارزش‌هایی است که در نظر شخص گوینده یا نویسنده، طبیعی به نظر می‌رسد. گاهی نسبت میان واژگان و این اعتقاد، بسیار روشن و طبیعی است. بازتاب ایدئولوژی در عناصر زبان، در همه سطوح آن، از نظام آوایی گرفته تا واژگان و ساخت‌های نحوی و عناصر بلاغی، بررسی‌پذیر است. سبک‌شناس یا مفسر ادبی بر مبنای سرنخ‌ها و اشارات موجود در متن و نیز با استفاده از متون دیگر که در حکم

ساختارهای درونی شده ایدئولوژیک هستند، به تعبیرهایی منسجم از متن دست می‌یابد. «انسجام، عامل اساسی در ساختن و بازسازی ایدئولوژیک امور در کلام است» (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۹۹).

تأثیر ایدئولوژیک در لایه واژگانی، از طریق بررسی پیوند متن با بافت بیرونی آن شناخته می‌شود. رمزگان، شاخص‌های زبانی و نشان‌داری واژه‌ها، عناصری هستند که متن را با بافت‌ها و زیرمتن‌های اجتماعی و فرهنگی پیوند می‌زنند. رابطه معنادار واژگان با ایدئولوژی و قدرت را می‌توان با بررسی بسامد رمزگان‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و دیگر ساختارهای اجتماعی نشان داد. همچنین شاخص‌هایی که نویسنده برای افراد و نهادها به کار برده است و بسامد واژه‌های نشان‌دار در سخن وی، نشان‌دهنده پیوند متن با ایدئولوژی هستند. «به عبارتی، رمزگان از اصطلاحات کلیدی نشانه‌شناسی است. هر رمزگان، نظامی از دانش است که امکان تولید، دریافت و تفسیر متون را فراهم می‌کند و بیشتر بافت‌بنیاد و فرهنگ‌بنیاد است. زبان، بزرگ‌ترین و پیچیده‌ترین رمزگان است؛ زیرا همه رمزگان‌های دیگر، از جمله رمزگان‌های آداب، پوشاک، غذا، رفتار، اطوار و اشارات، نظام‌های حرکتی و غیره، به واسطه زبان قابل توصیف است» (سجودی، ۱۳۸۷: ۱۵۰).

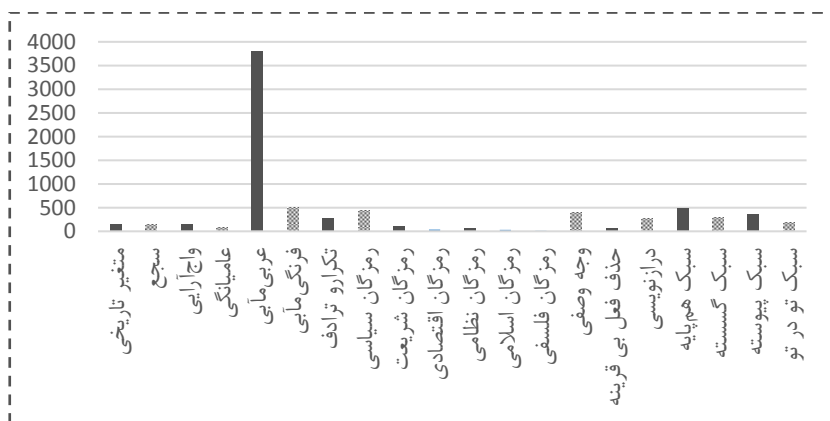
همان‌طور که قبلاً ذکر شد، ایدئولوژی حاکم بر نثر مطبوعات و نیز نثر ادبی این دوره، ایدئولوژی سیاسی است؛ به‌خصوص اینکه از یک دهه به بعد در این دوره، با انقلاب مشروطه و وقایع سیاسی آن مواجه هستیم. انقلاب مشروطه و پیامدهای آن، تعداد بی‌شماری از مفاهیم سیاسی را با خود آورد که اغلب از فرانسه یا ترکی عثمانی و روسی به فارسی وارد شدند.

۶. جمع‌بندی

جدول زیر، بسامد تکرار ویژگی‌های سبکی روزنامه‌های عصر قاجار را نشان می‌دهد:

جدول بسامد تکرار ویژگی‌های سبکی روزنامه‌های عصر قاجار

ویژگی‌های سبکی	تعداد	۱۵۵	۱۷۵	۴۳۸	۱۱۸	۴۱
منتهی تاریخی	۱۵۵	جابه‌جایی ارکان	سبک نمودر تو	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
سجع	۱۵۱	وجه وصفی	سبک تو در تو	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
واج آرای	۱۴۲	حذف فعل بی قرینه	سبک نمودر تو	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
عایدگی	۸۱	درزنوسی	سبک هم‌پایه	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
عربی مآبی	۳۸۰۲	سبک هم‌پایه	سبک پیوسته	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
فونگی مآبی	۵۰۵	سبک پیوسته	سبک گسسته	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
تکرار	۹۳	سبک گسسته	سبک نمودر تو	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
ترادف	۱۷۵	سبک نمودر تو	سبک نمودر تو	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
رمزگان اقتصادی	۴۱	رمزگان اقتصادی	رمزگان اقتصادی	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
رمزگان شریعت	۱۱۸	رمزگان شریعت	رمزگان شریعت	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
رمزگان سیاسی	۴۳۸	رمزگان سیاسی	رمزگان سیاسی	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
رمزگان فلسفی	۱۲	رمزگان فلسفی	رمزگان فلسفی	رمزگان نظامی	رمزگان اسلامی	رمزگان فلسفی
تعداد	۳۹۸	تعداد	۲۸۲	تعداد	۲۹	تعداد



نمودار بسامد تکرار ویژگی‌های سبکی روزنامه‌های عصر قاجار

با توجه به نمودار، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سبکی روزنامه‌های این دوره، کاربرد فراوان واژگان و تعابیر عربی است؛ زیرا زبان متون این دوره، منشأ درباری است و مطبوعات هنوز با همان زبان، آمیخته است. بیشترین تفاوت نثر مطبوعات این دوره با نثر معیار فارسی امروزه، کاربرد لغات فارسی به شیوه عربی (جمع‌بستن با نشانه‌های عربی، مطابقت صفت و موصوف از نظر تأنیث، تنوین، یت مصدر ساز و ال تعریف) است. با توجه به اینکه فرهنگستان اول از سال ۱۳۱۳ش شکل گرفت، فرهنگ خاصی برای معادل‌یابی واژگان تا قبل از سال ۱۳۰۰ وجود نداشت. تعداد کمی از

نویسندگان سعی می‌کردند یا بر این اعتقاد بودند که نباید واژگان بیگانه را به کار برد و باید به فکر معادل‌یابی بود. در برخی از روزنامه‌های این دوره، عین واژه بیگانه به کار می‌رفت. آشنایی با غرب و مظاهر تمدن غربی، کم‌کم خود را در نثر مطبوعات این دوره نشان داد. البته در سال‌های پیش از ۱۲۸۵ به کار بردن تعابیر بیگانه بسیار اندک بود. در روزنامه وقایع اتفاقیه ده نمونه و در روزنامه دولت علیه ایران هیچ نوع تعبیر بیگانه‌ای مشاهده نمی‌شود؛ اما با شکل‌گیری جنبش مشروطه و انتشار روزنامه‌هایی مثل مجلس، نوبهار و ایران نو، درصد به کارگیری این اصطلاحات و تعابیر بیگانه به شدت افزایش یافت. عربی‌مآبی (تا قبل از ۱۲۸۵) بسامد زیادی داشت؛ به خصوص در طلوع روزنامه‌نگاری. در روزنامه‌هایی مانند وقایع اتفاقیه (در سال ۱۲۳۸) ۳۳۵، اختر (در سال ۱۲۵۴) ۳۱۰ و ناصری (در سال ۱۲۷۲) ۳۳۰ تعبیر و اصطلاح عربی وجود دارد که در دوره بعد از مشروطه، با حضور کمتری مواجه هستیم. همچنین عامیانگی نثر اندک بود؛ زیرا روزنامه‌نگاری در خدمت دولت و دربار قرار داشت.

کاربست عناصر سبک نثر ادبی در نثر مطبوعات، بنا بر عادت وجود دارد. ویژگی‌هایی مانند کوتاه‌نویسی، عربی‌مآبی، استشهاد به آیات و احادیث و ابیات و مصرع‌های عربی و فارسی رایج است؛ اما نه به دشواری و تکلف نثر ادبی این دوره. در مقابل، عامیانگی و کاربرد تعابیر عامیانه بیشتر دیده می‌شود و طبعاً مخاطب عامه برای این گونه زبانی، دلیل اصلی آن است. همین ویژگی در مطبوعات دوره‌های بعد، با شدت بیشتری به چشم می‌خورد. تعابیر بیگانه، جز برخی لغات ترکی-مغولی دیده نمی‌شود. ساختمان جملات در نثر روزنامه‌ای، بیشتر سبک هم‌پایه و در نثر ادبی، سبک جملات از نوع گسسته است؛ یعنی جملات کوتاه و مستقل از هم، مفهوم را می‌رسانند. درست‌تر این است که بگوییم سرشت یک گفتمان ادبی با غیرادبی متفاوت است؛ چون گفتمان ادبی در بافت اجتماعی قرار ندارد و متن‌های غیرادبی با کنش‌های اجتماعی زندگی روزمره ما پیوند دارند؛ درحالی‌که این نکته درباره متن‌های ادبی صدق نمی‌کند. هدف نثر یک روزنامه، دادن اخبار و اطلاع در خصوص حوادث و رویدادهای همان زمان

است و عموم مردم به‌طور مستقیم این نثر را مطالعه نمی‌کنند؛ اما یک اثر ادبی مثل سرگذشت حاجی بابا گرچه اثری است که در آن از اوضاع جامعه انتقاد می‌کند و از شرایط آن دوره و حوادث آن گزارش می‌دهد، سرشت ادبی دارد.

درازنویسی و جملات طولانی در نثر روزنامه‌ای این دوره وجود دارد؛ اما درصد آن کمتر است. کاربرد جمله‌های طولانی و درصد درازنویسی در روزنامه‌های این دوره، در نوسان است. در روزنامه‌ای مثل وقایع اتفاقیه (سال ۱۲۳۸) ۳ نمونه درازنویسی دیده می‌شود. ایران (سال ۱۲۵۰) ۳۶ و اختر (سال ۱۲۵۴) ۴۰ نمونه درازنویسی دارد. چند سال بعد، در روزنامه‌ای مثل شرف (سال ۱۲۶۱) درازنویسی به‌شدت کم می‌شود و تنها با ۲ نمونه مواجه هستیم. بعد از سال ۱۲۸۵ در روزنامه مجلس ۱۷، در رعد ۲۳ و در روزنامه نوبهار (۱۲۹۹) ۴ نمونه درازنویسی دیده شد. تا قبل از سال ۱۲۸۵ حذف بی‌قرینه فعل در روزنامه‌ها دیده نمی‌شود و اگر هم باشد، درصد بسیار کمی دارد؛ اما بعد از سال ۱۲۸۵ بیشتر دیده می‌شود. در روزنامه مساوات (سال ۱۲۸۷) ۱۲ و در روزنامه رعد (سال ۱۲۹۸) ۱۳ نمونه وجود داشت. کاربرد فعل در وجه وصفی، مانند درازنویسی، در این برهه زمانی در نوسان بود. در وقایع اتفاقیه (سال ۱۲۳۸) ۲۱، در ایران نو (سال ۱۲۸۸) ۲۷، در مجلس (۱۲۸۵) ۳۷ و در اختر (سال ۱۲۵۴) ۴۰ نمونه دیده شد که نشان‌دهنده حالت نوسان است. کاربرد اصطلاحات و رمزگان سیاسی در تمام این دوره‌ها دیده می‌شود؛ اما بعد از مشروطه، یعنی بعد از سال ۱۲۸۵ شدت این کاربرد بیشتر می‌شود؛ به‌طوری که بیشترین بسامد را در روزنامه‌های بعد از سال ۱۲۸۵ می‌بینیم. تا قبل از این، در کنار اصطلاحات سیاسی، از شریعت و تعابیر مربوط به شریعت نیز استفاده می‌شد.

۷. نتیجه‌گیری

بررسی نثر مطبوعات از این نظر اهمیت دارد که در ساده‌نویسی و ایجاد نثر نوین فارسی بسیار مؤثر بوده است. تحلیل سبک‌شناسانه نثر بیست روزنامه از سال‌های آغازین روزنامه‌نگاری تا پایان دوره قاجار، در پنج لایه آوایی (متغیر تاریخی، واج‌آرایی، سجع و جناس)، واژگانی (رمزگان، عامیانگی، کهن‌گرایی، فرنگی‌مآبی، عربی‌مآبی، تکرار و

ترادف)، نحوی (طول جمله، پیوستار بلاغی و سبک جمله، جابه‌جایی ارکان جمله، حذف بی‌قرینه فعل، کاربرد وجه وصفی)، بلاغی و ایدئولوژیک نشان می‌دهد:

۱. مطبوعات در ایران، ۸۹ سال از عمر ۱۹۰ ساله خود را در دوره قاجار گذرانده و سه دوره را از منظر زبانی و تحوّل نثر طی کرده است. دوره اول، آغاز عصر قاجار تا سلطنت محمد شاه است که هیچ نوآوری در نثر دیده نمی‌شود. دوره دوم، سلطنت ناصرالدین شاه را در بر می‌گیرد که نویسندگان ایرانی با انواع جدید ادبی، مثل روزنامه‌نویسی و ترجمه آثار غربی و نمایش‌نامه‌نویسی آشنا شدند. دوره سوم که دوران سلطنت مظفرالدین شاه تا انقلاب مشروطه است، نویسندگان ایرانی تلاش کردند به خود هویت ببخشند و فقط از آثار غربی تقلید نکنند. موضوعاتی مثل قانون و آزادی و دموکراسی در آثار این دوره راه یافت.

۲. در تحلیل لایه آوایی روزنامه‌ها، متغیر تاریخی بیش از متغیرهای دیگر (جغرافیایی، سنی، جنسیتی و...) نمود پیدا کرد. سجع در این روزنامه‌ها به شکل ساده و ابتدایی به چشم می‌خورد و بازی‌های آوایی دیده می‌شود.

۳. در لایه واژگانی، با توجه به اوضاع و شرایط سیاسی آن دوران، اصطلاحات و رمزگان سیاسی و در کنار آن واژگان مربوط به شریعت، از بسامد زیادی برخوردار است. همچنین با عنایت به اینکه روزنامه‌نگاری از آغاز، زیر نظر دربار و دولت انجام می‌شد و بیشترین مخاطبان روزنامه‌ها آن‌ها بودند، سعی می‌شد از تعابیر و واژگان فاخر و رسمی استفاده شود. درصد عربی‌مآبی بسیار است؛ زیرا نویسندگان هنوز در چنبره همان سنت‌های گذشته قرار دارد. تعابیر بیگانه به کار رفته در روزنامه‌ها بیشتر فرانسوی و روسی بودند.

۴. در لایه نحوی، درصد جمله‌های دراز بیشتر است. کاربرد فعل در وجه وصفی (آن هم به شیوه غلط) و نیز حذف فعل بی‌قرینه به قصد ایجاز و اختصار و کوتاه کردن، بسیار دیده می‌شود.

۵. در لایه بلاغی، آرایه‌های بلاغی کمتر به چشم می‌خورد، مگر تعدادی تضمین و استناد به بیت و مصراع‌های عربی و فارسی یا آیات و احادیث عربی که به صورت انگشت‌شمار آمده است.

۶. در لایه ایدئولوژی، دیده می‌شود که بر نثر مطبوعات، ایدئولوژی سیاسی حاکم است. انقلاب مشروطه و پیامدهای آن، تعداد بی‌شماری از مفاهیم سیاسی را با خود آورد.

منابع

- احمدی، طاهره (۱۳۹۱)، **مقایسه و تحلیل ساختار روزنامه‌های ملانصرالدین و صور اسرافیل**، رساله دکتری، دانشگاه تبریز، دانشکده ادبیات.
- استاجی، اعظم (۱۳۹۵)، **بررسی ویژگی‌های صوری و زبانی برخی از روزنامه‌ها از دوره قاجار تا دوران معاصر**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- انصاری، زهرا (۱۳۹۰)، **بررسی ویژگی‌های زبانی و محتوایی (فکری) روزنامه وقایع اتفاقیه**، ادبیات پارسی معاصر، سال ۱، شماره ۱، صص ۱-۲۳.
- آبراهامیان، یرواند (۱۹۸۲)، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه احمد گل محمدی. تهران: فارسی.
- بازرگان، محمدنوید و علی غلامی (۱۳۹۰)، **بررسی ویژگی‌های نثر روزنامه‌نگاری دهخدا، پژوهش‌نامه ادب حماسی (پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب)**، سال ۷، شماره ۱۱، صص ۳۴۵-۳۶۶.
- براون، ادوارد (۱۳۳۷)، **تاریخ ادبیات و نشریات ایران در دوره مشروطیت**، ترجمه محمد عباسی، تهران: بی‌نا.
- بهروزی، مهرناز و فاطمه صحرانورد (۱۳۹۶)، **بررسی گفتمان‌های سیاسی عهد ناصری با رویکرد به مطبوعات فارسی برون‌مرزی روزنامه اختر**، فصلنامه تاریخ. سال ۸، شماره ۳۱، صص ۳۷-۷.
- حاج‌آقابابایی، محمدرضا (۱۳۸۷)، **طبقه‌بندی و بررسی نثر متون عرفانی و فلسفی عصر قاجار**، متن‌پژوهی ادبی، شماره ۳۸، صص ۱۰۱-۱۱۲.
- خاتمی، احمد (۱۳۸۴)، **ویژگی‌های نثر مطبوعاتی**، نشریه فرهنگ، شماره ۵۵، صص ۴۵-۶۴.

- خیرآبادی رضا و معصومه خیرآبادی (۱۳۹۶)، **الگوی معناشناختی ارزش گذاری؛ رهیافتی نو در تحلیل انتقادی گفتمان‌های مطبوعاتی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۶۵-۸۸
- دارابی، زینب (۱۳۹۰)، **تجدّد از دیدگاه روزنامه‌نگاران و روزنامه‌های عصر ناصری (اختر، قانون، حبل‌المتین)**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- دهقان‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۰)، **تجدّد از نگاه روزنامه‌نگاران و روزنامه‌های عصر ناصری**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- دهقانی اشکذری، کمال و عزّت ملاابراهیمی (۱۳۹۸)، **نقد سبک‌شناسانه اشعار اجتماعی شیخ احمد وائلی (تحلیل زبانی)**، پژوهش‌نامه نقد ادب عربی، دوره ۹، شماره ۱۹، صص ۱۱۹-۱۵۰.
- راسخ‌مهند، محمد، مجتبی علیزاده صحرائی، راحله ایزدی‌فر و رقیه سلیمیان (۱۳۹۷)، **خسونت گفتاری در مطبوعات: مطالعه موردی روزنامه‌های فارسی**، فصلنامه مطالعات زبانی و بلاغی، دوره ۹، شماره ۱۸، صص ۱۳۵-۱۶۴.
- رسول‌اف، رسول (۱۳۸۹)، **نخستین‌های روزنامه‌نگاری ایران**، تهران: جامعه‌شناسان.
- رشیدی، مرتضی و فهیمه محمدی (۱۳۹۵)، **بررسی و نقد اصطلاحات سبک‌شناسی و نقد ادبی در شعر سنتی تا قرن یازدهم**، همایش ملی ادبیات غنایی، اصفهان.
- رومی، سیروس (۱۳۸۳)، **تاریخ مطبوعات فارس؛ دوره قاجار**، شیراز: بنیاد فارسی‌شناسان.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، **نشانه‌شناسی کاربردی**، تهران: نشر علم.
- سعیدی، سیدمحمد (۱۳۸۳)، **روزنامه‌نگاری عصر ناصری**، ش ۴. دانشگاه بیرجند: ادبیات و علوم انسانی.
- شهبازی‌نژاد، مرضیه (۱۳۹۳)، **بررسی آموزش در مطبوعات دوره قاجار**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اراک، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- صدرهاشمی، محمد (۱۳۶۴)، **تاریخ جراید و مجلات ایران**، ج ۱، ج ۲، اصفهان: کمال.
- صفی‌نژاد، جواد (۱۳۶۳)، **دوره روزنامه‌های شرف و شرافت**، تهران: بسا ولی.
- طباطبایی، محیط (۱۳۷۵)، **تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران**، تهران: بعثت.
- غلامی، علی (۱۳۸۹)، **بررسی ویژگی‌های نثر روزنامه‌نگاری دربار قاجار**، پژوهش‌نامه ادب حماسی (پژوهش‌نامه فرهنگ و ادب)، دوره ۴، شماره ۷، صص ۱۶۷-۱۸۸.

- فتوحی، محمود (۱۳۹۰)، **سبک‌شناسی (نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها)**، تهران: سخن.
- فرکلاف، نورمن (۱۹۸۹)، **تحلیل انتقادی گفتمان**، گروه مترجمان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قاسمی، فرید (۱۳۷۲)، **راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کاردگر، یحیی و نرگس مهدی (۱۳۹۱)، **نقد و تحلیل و سبک‌شناسی اولین بحر طویل فارسی**، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، دوره ۵، شماره ۲، صص ۳۵۳-۳۷۰.
- ل، رابینو (۱۳۸۰)، **روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ق/ ۱۲۸۹ش**، ترجمه و تدوین جعفر خمami زاده. چ ۲، تهران: اطلاعات.
- مستعلی پارسا، غلامرضا (۱۳۹۵)، **نقد و بررسی سبک‌شناسانه شعر دوره بازگشت**، متن پژوهی ادبی (زبان و ادب پارسی)، دوره ۲۰، شماره ۶۸، صص ۷-۳۹.

